

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دولت‌های مسلمان

دولت رسول خدا ﷺ

دکتر صالح احمد العلی

مترجم: دکتر هادی انصاری



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
بهار ۱۳۹۱

احمد العلی، صالح، ۱۳۱۸ -

دولت رسول خدا (ص) / صالح احمد العلی، مترجم هادی انصاری. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵.
دوازده، ۴۴۸ ص. (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۵۱: تاریخ؛ ۱۲)

ISBN: 978-964-93906-8-0

بها: ۲۳۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

بالای عنوان: دولت های مسلمان.

کتابنامه: به صورت زیر نویس.

نمایه.

چاپ دوم: بهار ۱۳۹۱، بها: ۷۱۰۰۰ ریال.

۱. اسلام - تاریخ - از آغاز - ۴۱ ق. ۲. محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق. - سیاست و حکومت. الف. انصاری، هادی، مترجم. ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ج. عنوان. د. عنوان: دولت های مسلمان.

۲۹۷/۹۱۲

BP ۱۴/ع ۸۴ د ۹

م ۸۱-۱۱۶۹

شماره کتابشناسی ملی



دولت رسول خدا ﷺ

مؤلف: دکتر صالح احمد العلی

مترجم: دکتر هادی انصاری

ویراستار: سعیدرضا علی عسکری

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

حروفچینی و صفحه‌آرایی: اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه

چاپ دوم: بهار ۱۳۹۱

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۷۱۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵۱-۲۱۱۱۱ (انتشارات ۲۱۱۱۳۰۰)، نمابر: ۲۸۰۳۰۹۰

تهران: خیابان انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن ۶۶۴۰۲۶۰۰ و ۶۶۹۷۸۹۲۰

Website: www.rihu.ac.ir

Email: info@rihu.ac.ir

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است. پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان منبع درسی برای دانشجویان رشته‌های «تاریخ» و «تاریخ تمدن اسلامی» در مقطع کارشناسی ارشد، تهیه شده است. امید است افزون بر جامعه دانشگاهی، دیگر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند گردند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از مترجم گرامی، جناب آقای دکتر هادی انصاری و تلاش حجت الاسلام والمسلمین رسول جعفریان در تهیه طرح دولتهای مسلمان و زمینه‌سازی ترجمه این اثر تشکر و قدردانی کند.

فهرست مطالب

۱	پیشگفتار
۳	سخن مترجم
بخش اول: یثربیان و ندای اسلام / ۷	
۹	فصل اول: یثرب و شیوه زندگی در آن به هنگام هجرت
۱۰	یثرب و سبک و نظام زندگی در آن
۱۴	زندگی اقتصادی
۱۶	فرهنگ و اعتقادات مذهبی
۱۷	اعتقادات اهالی یثرب
فصل دوم: عشایر عرب در مدینه	
۲۱	کهن ترین قبیله عرب؛ بلی
۲۳	اوس و خزرج
۲۵	روابط میان عشایر
۲۹	تعیین و مشخص سازی عشایر عرب
۳۰	منابع سرشماری: محله ها
۳۲	منابع نخستین اسلامی
۳۳	کتاب های سیره و شرح حال نگاری
۳۶	انقراض
فصل سوم: ارتباط یثربیان با رسول خدا ﷺ	
۴۰	پیمان نخست عقبه
۴۳	مأموریت مصعب بن عمیر

۴۶ پیمان دوم عقبه
۵۰ ویژگی‌های حقوقی پیمان و الزامات آن
۵۶ فصل چهارم: هجرت به مدینه و استقرار در آن
۵۶ زمینه‌های هجرت
۵۸ هجرت
۶۰ املاک مهاجران در مکه
۶۱ مسلمانانی که از مکه مهاجرت نکردند
۶۵ سکونت دادن مهاجرین در مدینه
۶۸ پیوند برادری
۷۶ فصل پنجم: تنظیم اداری در مدینه
۷۶ تنظیم در پیمان عقبه؛ نقیبان
۷۸ نظام اجتماعی مردم یثرب هنگام هجرت
۸۱ ساختار تشکیلات اسلامی: اقتدار و حاکمیت
۸۳ جانشینان اداری
۸۵ امت
۸۶ امنیت
۸۶ عدالت و قضاوت
۸۹ شرایط جنگ و صلح
۹۲ جایگاه فرد
۹۳ عشایر و موالی
۹۶ فصل ششم: فرایض اسلام
۹۶ ۱. نماز
۹۶ تکامل نماز
۱۰۱ نمازهای خاص
۱۰۳ اذان
۱۰۴ وضو
۱۰۵ «قبله» و تغییر آن به سوی مکه
۱۰۵ قبله نخستین
۱۰۷ تعیین قبله به سوی مکه
۱۱۲ اهمیت تغییر قبله
۱۱۴ تأکید بر ارتباط اسلام با ابراهیم خلیل <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>

۱۱۷	روزه ۲
۱۱۸	روزه در اقوام کهن
۱۱۹	روزه در اسلام
۱۲۱	روزه رمضان
۱۲۳	- کفاره سوگند
۱۲۳	- کفاره کشتن صید، هنگام احرام
۱۲۴	- کیفر شخصی که مردی از قبیله هم‌پیمان رسول خدا را به قتل رساند
۱۲۵	- کیفر «ظهار» کنندگان همسران خود

بخش دوم: تشکیل حکومت در مدینه / ۱۲۷

۱۲۹	فصل هفتم: مخالفان و نفاق
۱۲۹	تمایلات مردم مدینه هنگام هجرت
۱۳۰	مخالفان
۱۳۲	تأخیر مسلمان شدن برخی عشایر مدینه
۱۳۴	ابوعامر راهب
۱۳۶	ابوعفک
۱۳۷	ابن صیّاد
۱۳۸	اشاره‌های قرآن به مخالفان
۱۳۸	- بیمار دلان
۱۴۰	- منافقین
۱۴۰	توصیف منافقان در قرآن کریم
۱۴۶	چهره منافقین در کتاب‌های حدیث و تاریخ
۱۵۰	عبدالله بن اُبی
۱۵۴	فصل هشتم: یهود و ندای اسلام
۱۵۴	یهودیان مدینه
۱۵۸	کشاورزی
۱۵۹	بازرگانی
۱۶۰	عادت‌ها
۱۶۱	سازمان‌های دینی یهودیان
۱۶۱	بیت‌المدراس و آخبار
۱۶۳	شرایط سیاسی یهودیان
۱۶۶	یهود در قرآن کریم

۱۷۴	فصل نهم: پاکسازی مدینه از یهودیان
۱۷۴	رفتار یهودیان در برابر هجرت و اسلام
۱۷۷	راندن بنی قینقاع
۱۸۰	بنی نضیر
۱۸۳	قریظه

بخش سوم: جهاد و به کار بردن سلاح / ۱۸۹

۱۹۱	فصل دهم: جهاد و استفاده از سلاح
۱۹۱	آموزش اعراب برای جنگ
۱۹۲	جهاد اسلامی
۱۹۹	جهاد و اسلام
۲۰۱	آمادگی پیکار با قریش
۲۰۵	نخستین برخورد
۲۰۹	سریه نخله

۲۱۲	فصل یازدهم: پیکارهای بزرگ
۲۱۲	جنگ بدر
۲۱۵	اهمیت جنگ بدر
۲۱۷	جنگ احد
۲۲۲	آثار جنگ احد: شور و نشاط مخالفان

۲۲۷	فصل دوازدهم: محاصره مدینه: جنگ خندق
۲۲۷	زمینه‌های اولیه و قوای شرکت‌کننده
۲۳۰	افراد شرکت‌کننده در جنگ همراه قریش
۲۳۱	آمادگی رسول خدا ﷺ
۲۳۳	خندق و محاصره مدینه
۲۳۵	سختی‌های محاصره
۲۳۷	تأثیر جنگ خندق
۲۳۸	عقب‌نشینی قریش
۲۳۹	اهمیت جنگ خندق
۲۴۲	حمله‌های پیامبر ﷺ در حجاز

۲۴۴	فصل سیزدهم: پیمان صلح حدیبیه
-----	------------------------------

۲۵۵	فصل چهاردهم: مطیع ساختن مناطق یهودی نشین در شمال
۲۵۵	خیبر و فدک و وادی القرئ
۲۵۵	خیبر: موقعیت و اهمیت آن
۲۵۸	تسخیر دژها
۲۶۱	فدک
۲۶۲	وادی القرئ
۲۶۳	فصل پانزدهم: وضعیت مردم بخش مرکزی حجاز
۲۶۶	حجاز و عشایر آن
۲۶۷	شهرنشینان و چادرنشینان
۲۶۹	عشایر حجاز مرکزی
۲۷۳	فصل شانزدهم: گسترش اسلام در میانه حجاز
۲۸۲	فصل هفدهم: اسلام در میان عشایر میانه حجاز
۲۸۲	ضمرة
۲۸۳	غفار
۲۸۴	أسلم
۲۸۵	مزینة
۲۸۶	لیث
۲۸۷	جهینه
۲۸۹	سلیم
۲۹۰	هذیل و لحيان
بخش چهارم: گسترش اسلام در جزیره العرب / ۲۹۳	
۲۹۵	فصل هجدهم: فتح مکه
۲۹۵	زمینه‌های فتح
۳۰۳	جنگ حنین و محاصره طائف
۳۰۶	فصل نوزدهم: نامه‌های پیامبر به پادشاهان کشورهای همسایه
۳۱۴	فصل بیستم: گسترش اسلام در شمال حجاز
۳۱۴	شمال حجاز و اهمیت آن
۳۱۹	حمله‌های رسول خدا ﷺ به شمال

۳۲۱	اشجع
۳۲۲	بنی مره
۳۲۳	بنی عذره
۳۲۳	عبس
۳۲۴	اسد
۳۲۴	محارب
۳۲۴	غطفان و فزاره
۳۲۵	عبس
۳۲۷	فصل بیست و یکم: ورود نما بندگان و گسترش اسلام در جزیره العرب
۳۳۴	فصل بیست و دوم: تحول نظم اداری در جزیره العرب
۳۳۴	گواه‌های قرآنی
۳۳۵	بادیه‌نشینان و شهرنشینان
۳۳۷	نظم حکومتی در جزیره العرب
۳۳۸	نظام اداری پیامبر ﷺ پس از فتح مکه
۳۳۹	منابع تحقیق و دستاوردهای آن
۳۴۳	فصل بیست و سوم: نظم مالی
۳۴۳	۱. هزینه‌ها و درآمدها
۳۴۳	نیازهای زندگی
۳۴۵	ثروت از دیدگاه اسلام
۳۴۶	بازار و تجارت
۳۴۷	زمین
۳۴۸	صدقات پیامبر ﷺ
۳۴۸	تیول‌های مسلمانان
۳۴۸	درآمد آبادی‌های یهودی‌نشین
۳۵۰	هزینه جنگ‌ها
۳۵۱	بخشش‌های داوطلبانه
۳۵۱	غنیمت‌های به‌دست‌آمده از یهودیان مدینه
۳۵۲	غنایم
۳۵۵	۲. زکات و صدقات پس از گسترش اسلام
۳۵۵	فریضه زکات و صدقات
۳۵۶	شرایط اقتصادی در جزیره العرب

۳۵۹ نظم مالی رسول خدا ﷺ در جزیره العرب: زکات و خمس غنایم
۳۶۱ مالیات چارپایان
۳۶۳ کشتزارها
۳۶۶ مالیات سرانه مردم شهرها و تولیدات
۳۷۱ کارگزاران صدقات

بخش پنجم: رسالت اسلام / ۳۷۷

۳۷۹ فصل بیست و چهارم: رسالت اسلام
۳۷۹ قرآن کریم
۳۷۹ جایگاه قرآن کریم
۳۸۰ نام‌ها و نزول قرآن
۳۸۱ آیه‌ها و سوره‌ها
۳۸۲ زبان و شیوه قرآن
۳۸۴ تاریخ نزول

۳۹۱ فصل بیست و پنجم: دین و امت
۳۹۱ دین
۳۹۲ اسلام و ایمان
۳۹۳ انسانیت فردی
۳۹۴ آزادی فردی
۳۹۵ جایگاه اندیشه و باور قلبی
۳۹۷ دیدگاه جهانی قرآن
۳۹۸ رابطه دینی
۳۹۸ امت

۴۰۴ فصل بیست و ششم: اخلاق و روابط اجتماعی
۴۰۴ اخلاق اسلامی
۴۰۵ نیکوکاری و خیراندیشی
۴۰۶ فروتنی
۴۰۸ خانواده
۴۰۹ پدران
۴۱۱ زن و خانواده
۴۱۴ روابط اجتماعی
۴۱۶ فعالیت اقتصادی از دیدگاه اسلام
۴۱۹ جهاد

۴۲۰	فصل بیست و هفتم: خلق و خوی رسول خدا ﷺ
۴۲۰	و ویژگی های پیامبر ﷺ و اخلاق او
۴۲۵	نمایه اشخاص
۴۴۶	نمایه اماکن

پیشگفتار

دو نیاز، «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» را بر آن داشت تا طرحی را در زمینه تاریخ دولت‌های مسلمان عرضه کند: نخست آنکه در درس‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته‌های «تاریخ» و «تاریخ تمدن اسلامی»، عناوینی چند درباره شناخت تاریخ دولت‌های مسلمان وجود دارد که درباره بسیاری از آنها کتابی تألیف نشده است. بنابراین، عرضه کتاب‌های مناسب برای پر کردن این خلأ، ضروری به نظر می‌آید. دوم آنکه امروزه با وجود نظام جمهوری اسلامی ایران، شناخت پیشینه دولت‌های بزرگ اسلامی در طول تاریخ، بسیار سودمند و راهگشاست. دولت اسلامی ایران، که در امتداد دولت‌های بزرگ اسلامی قرار دارد و منادی احیای تمدن بزرگ اسلامی است، باید بر تجربه‌های به دست آمده تکیه کند و از آنها بهره‌گیری. بر این اساس، لازم بود تا فهرستی از این دولت‌ها تهیه، و برای هر یک کتابی مناسب تألیف یا ترجمه شود.

گزینش این دولت‌ها براساس دامنه نفوذ آنها در ابعاد زمانی و مکانی صورت گرفته است؛ چنان‌که گاه برخی از آنها در شرق و برخی در غرب، سال‌ها قدرت سیاسی بزرگی را در اختیار داشته و در عرصه فرهنگ و تمدن اسلامی و جغرافیای سیاسی جهان نقشی مهم ایفا کرده‌اند.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

گروه تاریخ

سخن مترجم

تردیدی نیست که هدف غایی رسول خدا ﷺ هدایت مردم به صراط مستقیم بود و در این راه، از ابزارهای گوناگون و شیوه‌های متفاوتی بهره گرفت، اما در این باب که پیامبر ﷺ برای پیشبرد هدف خود در به دست گرفتن قدرت سیاسی و داشتن دولت با مشخصه‌های مورد نظر خویش در مکه تلاش می‌نمود، دلیلی در دست نداریم و در مجموعه آموزه‌های اسلام، آیات قرآن، سخنان پیامبر ﷺ و سیره و رفتار عملی ایشان در مکه، نشانی از این هدف نمی‌یابیم. تعالیم پیامبر ﷺ در دوره مکه، ارشاد مردم به آموزه‌های قرآن و تلاش برای آگاهی آنان از مبانی توحید و بطلان شرک و بت‌پرستی و دوری اخلاق‌ها و آموزه‌های جاهلیت بود. پیامبر ﷺ حتی در سخت‌ترین وضعیت‌ها و بحران‌هایی که گریبان‌گیر خود و قومش - بنی‌هاشم - شد، مثل محاصره کردن آنان در شعب ابی‌طالب، هرگز برای برهم زدن نظم اجتماعی مکه از راه ایجاد شورش به وسیله گروه‌هایی از مردم هم‌قبیله یا هم‌پیمان و یا حتی مسلمانان، علیه صاحبان قدرت، اقدامی نکرد. حتی هنگامی که قریشیان، یاران نزدیک و تازه‌مسلمانان او را شکنجه و آزار می‌دادند، برای وادار کردن یاران خود به واکنش‌های شدید از قبیل ترور سران مکه یا ضربه زدن به استقرار و امنیت شهر مکه و یا شکستن بت‌های مکه و هتک حرمت آنان - رفتاری که در میان برخی پیامبران پیشین مثل حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام سابقه داشت -، تلاشی ننمود؛ بلکه همواره مؤمنان را به صبر و شکیبایی دعوت می‌نمود و برای دشمنان و کافران، هدایت و بصیرت طلب می‌کرد. این وضعیت تا هنگام هجرت همچنان برقرار بود و پیش از هجرت در ملاقات‌هایی که پیامبر ﷺ، به‌طور مخفیانه با سران مدینه در «عقبه اول» و «عقبه دوم» داشت، هرگز سخنی از برقراری دولت به میان نیامد. حضرت در این ملاقات‌ها و در متن عهدنامه‌ها، جز بر ایمان به خدا و وفاداری آنان به خود و اینکه او را یکی از خودشان بدانند، تأکید نکرد.

پس از هجرت رسول خدا ﷺ به یثرب و استقرار در این سرزمین که زین پس مدینه النبی نامیده شد، به تدریج نشانه‌هایی از توافق قبایل ساکن در مدینه و اطراف آن برای اطاعت مطلق از رسول خدا ﷺ پدیدار شد. از این زمان به بعد است که قبایل مسلمان و غیر مسلمان، در مدینه بر پذیرفتن رهبری پیامبر ﷺ اتفاق نظر پیدا می‌کنند و به تدریج تصرفات و رفتارهای آن حضرت در برخورد با مسلمانان بومی و مهاجر و یهودیان و پیشامدهای مدینه و اطراف آن تفاوت می‌یابد و دارای جنبه‌های آمرانه و الزام‌آور و در نهایت سیاسی و حکومتی می‌شود.

این موضوع، به تدریج گسترش می‌یافت و رسول خدا ﷺ آشکارا متصدی مهم‌ترین جنبه‌های حکومت، یعنی در اختیار داشتن قدرت تصمیم‌گیری سیاسی و اعمال سیاست‌ها، از راه جنگ، صلح‌نامه، پیمان‌نامه و... گشت.

این کتاب، به تفصیل به موضوع یادشده و پیامدهای تشکیل دولت رسول خدا ﷺ پرداخته و آن را از جنبه‌های گوناگون بررسی کرده است. اهمیت این نوشتار، که مورد توجه اهل نظر قرار گرفت و مترجم را به ترجمه آن تشویق نمود، از چند جهت است:

نخست، آنکه نویسنده کتاب صالح احمد علی، با اعتراف به اهمیت موضوع و سختی بررسی آن، با وسواس فراوان به مراحل تشکیل دولت اسلامی پرداخته و برای پروراندن موضوع و نتیجه‌گیری، به زمینه‌ها و عوامل روی آوردن اهل یثرب به اسلام و پذیرفتن آن، از هنگام پیمان «عقبه نخست» تا هنگام تشکیل حکومت در مدینه، می‌پردازد.

دوم، آنکه نویسنده اگرچه سنی مذهب است و روایت تاریخ‌ها و سیره‌های حکومتی مدون (همچون سیره ابن اسحاق، سیره ابن هشام و طبقات ابن سعد و...) را به عنوان نمایانگر حقایق و وقایع صدر اسلام می‌پذیرد و اشاره‌ای به دخالت حکومت‌های بنی‌امیه و بنی‌عباس در تدوین تاریخ و سیره تحریف‌شده پیامبر ﷺ و اسلام ندارد، اما هنگام بررسی وقایع، اشارات صریح و غیر صریحی به رقابت قبایل عرب و خانواده‌های مسلمان به دروغ‌گویی، یا گزافه‌گویی و مبالغه در انتساب به شرکت جستن در وقایع و جنگ‌ها و غزوه‌های صدر اسلام به خود، می‌کند. نویسندگان سیره هر کدام تمایلات فکری و قبیله‌ای خود (و نه حقیقت) را منعکس کرده‌اند و نویسنده با توجه به این واقعیت، در یافتن حقیقت (از دیدگاه خود) از میان روایت‌های مختلف و گاه متضاد، وسواس فراوانی به خرج داده، که در جای خود بسی ارزشمند به نظر می‌رسد.

سوم، آنکه نویسنده سال‌های متمادی سرپرست یکی از مهم‌ترین و کهن‌ترین فرهنگستان‌های جهان عرب، یعنی «المجمع العلمی العراقي» بغداد بوده و سال‌های بسیار تدریس تاریخ اسلام در دانشگاه‌های مختلف را به عهده داشته است و علاوه بر آن، در زمینه بررسی‌ها و تحقیقات تاریخ صدر اسلام، نوشته‌های فراوانی از خود بر جای گذاشته است که کتاب حاضر، به عنوان یکی از نوشته‌های سال‌های پایانی عمر او، چکیده ده‌ها سال مطالعه و تحقیقات او را در این زمینه دربر دارد.

چهارم، آنکه نویسنده در بخش‌های مختلف کتاب، وقایعی را بررسی کرده و مورد تدقیق و تحلیل قرار داده که در نظر نخست، از دیدگاه کارشناسانه، عادی جلوه می‌نماید؛ اما با پروراندن موضوع و توجه دادن به زمینه فراهم آمدن و نتایج و آثار آنها، به اهمیت و نقش آنها پی برده می‌شود.

پنجم، آنکه نویسنده با تلفیقی از موضوع‌های متنوع، توانسته است مجموعه‌ای تاریخی، شیرین و خواندنی ارائه دهد. وی در این کتاب، به موضوع‌هایی پرداخته که معمولاً کمتر به آنها توجه شده، یا می‌شود. موضوع‌هایی مثل: شیوه زندگی در یثرب پیش از هجرت، سبک زندگی و سازوکار اداری در مدینه پس از هجرت، وضعیت مخالفان، یعنی منافقان و یهودیان، چگونگی بسیج نیروها هنگام جهاد و راه‌های تأمین نیازمندی‌های یک ارتش در حال جنگ، سیاستمداری پیامبر ﷺ در رفتارهای دوران‌دیشانه ایشان با طبقات گوناگون مردم (مسلمانان مدینه، مسلمانان مهاجر مکه، مسلمانان قبایل اطراف مدینه، کفار مکه، کفار مدینه و اطراف آن، یهودیان درون مدینه، یهودیان ساکن در شهرک‌های «خیبر»...)، رفتارها و سیاست‌های دوران‌دیشانه پیامبر ﷺ در جنگ (هنگام پیمان بستن و هنگام تقسیم غنیمت‌های جنگی)، توجه به حساسیت‌های رؤسای قبایل عرب و برآوردن آنها و موضوع‌های فراوان دیگر.

از دیگر نکات مهمی که نویسنده در این کتاب بدان پرداخته و حق آن را ادا نموده، چگونگی گسترش اسلام در بخش‌های شمالی، شرقی و جنوبی جزیره‌العرب است که به دیگر مطالب ارزشمند کتاب، افزوده شده است.

در پایان خداوند بزرگ را سپاسگزارم که توفیق تلاش در راه شناساندن سیره رسول خدا ﷺ را، در سالی که منسوب به جانشین و برترین اصحاب آن بزرگوار، یعنی حضرت علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین علیه السلام است، به این کمترین عطا فرمود.

ضروری است از مسئولان محترم «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» که برای آماده‌سازی و چاپ این اثر تلاش نموده‌اند، کمال تشکر و قدردانی را بنمایم؛ همچنان که از برادر ارجمندم، حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدرضا انصاری قمی، که در رفع پاره‌ای از مشکلات یاری‌ام نمودند، بسیار سپاسگزارم.

کتاب پیش رو ویراست جدید ترجمه‌ای است که افزون بر ویرایش ادبی و رفع اغلاط مطبعی، بازنگری منابع نیز در آن صورت پذیرفته است.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

هادی انصاری

۱۳ رجب ۱۴۲۲ق - ۹ مهر ۱۳۸۰ش

بخش اول

یثربیان و ندای اسلام

فصل اول

یثرب و شیوه زندگی در آن به هنگام هجرت

مدینه در ۲۵۰ کیلومتری^۱ شمال مکه و هفتاد کیلومتری ساحل دریای سرخ قرار دارد. سرزمین مدینه در منطقه آتشفشانی واقع شده است و در نزدیکی آن، آتشفشان‌های خاموشی قرار دارد که در دوران‌های اسلامی، چندین بار فعال شده‌اند. از مشهورترین آنها می‌توان به آتشفشانی که پیش از هجرت فعال شد و نیز آتشفشانی که در سال ۶۵۳ق فوران کرد و مواد گداخته و مذاب آتشفشانی بسیاری که آن سرزمین را پوشانید،^۲ اشاره نمود. به دلیل وجود همین آتشفشان‌ها، سراسر سرزمین مدینه، پوشیده از سنگ‌های سیاه است و همین امر موجب حاصلخیزی خاک آن دیار شده است. مدینه شامل سرزمین گسترده‌ای بوده که در شمال از کوه «أحد» آغاز و در جنوب به کوه «عَیْر» منتهی شده است. طول این محدوده، در حدود دوازده میل و عرض آن در حدود ده میل می‌باشد. دشت «بطحان» که از جنوب شرقی به شمال غربی امتداد دارد، این سرزمین را می‌شکافد و به دشت «عقیق» که از نیمه‌های سرزمین حجاز آغاز شده، می‌پیوندد. این دشت، در بخش‌هایی از جنوب و غرب مدینه ادامه یافته، سپس به سوی غرب منحرف می‌شود و در نزدیکی «یثع»، به دریا متصل می‌شود. در دشت بطحان، چند دشت فرعی دیگر، که از جنوب شروع شده، وجود دارند که مهم‌ترین آنها، «رانونا»، «مذینیب» و «مهزور» است. آب‌هایی که در این دشت‌ها جریان داشته، مزارع و کشتزارهای بسیاری را سیراب می‌ساخته است. علاوه بر آن، مدینه دارای چاه‌های پرآب فراوانی بوده که از آب آن برای نوشیدن و کشاورزی استفاده می‌شده است.

۱. فاصله مدینه تا مکه در حدود ۵۰۰ کیلومتر است که مؤلف محترم ظاهراً این فاصله را براساس میل نوشته است (ویراستار).
۲. سمهودی، وفاء الوفا، ج ۱، ص ۹۹-۱۰۷.

آب و هوای مدینه و اطراف آن، موجب شده بود کشتزارها چنان وسعت یابند که بین بخش‌های مسکونی آن، که به هنگام پیدایش اسلام به صورت مجموعه‌هایی مسکونی، شبیه دهکده بودند، فاصله ایجاد شود. از مشهورترین این دهکده‌ها، می‌توان به «قبا» در جنوب، «زهرة» در شرق و «یثرب» و «زباله» و «راتج» در شمال اشاره نمود.^۱

مدینه دارای پیشینه‌ای کهن در تاریخ است و به نظر می‌رسد نام قدیم و مشهور آن همان یثرب بوده که در برخی از مصادر جغرافیایی آفریقا Ithrippa (ایثریپا)، آمده؛ همچنان که قرآن کریم نیز این نام [یثرب] را برای آن ذکر کرده است:

«وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا؛^۲ و^۳ (نیز) به خاطر آورید زمانی را که گروهی از آنها گفتند: ای اهل یثرب، اینجا جای توقف شما نیست، به خانه‌های خود بازگردید».^۴

البته نام مشهور آن به هنگام ظهور اسلام، همان «مدینه» بوده که در قرآن، احادیث نبوی و کتاب‌های تاریخ و ادبیات نیز همواره از آن بدین نام یاد شده است.

یثرب و سبک و نظام زندگی در آن

اساس زندگی در یثرب، نظام قبیله‌ای بود؛ بدین ترتیب که همه افراد یک قبیله، به صورت دسته‌جمعی در یک منطقه، که مزارع و کشتزارهای آنان نیز در آن واقع شده بود، زندگی می‌کردند در «عاقله»، که دیه قتل غیر عمد است، شریک و در سختی‌ها و مشکلات زندگی، کمک یکدیگر بودند.

یثرب به هنگام هجرت، دارای ۷۸ «أطم» بود که برخی از آنها از آن افراد و برخی دیگر از آن قبایل بود. «أطم»، ساختمانی بلند از سنگ بوده است که معمولاً به عنوان برج دیده‌بانی و دفاعی از آن استفاده می‌شد. شاید در آن روزگار، از آن استفاده‌های دیگری نیز می‌شده است. ساختن أطم تا آغاز هجرت همواره ادامه داشته، اما پس از هجرت، از ساخت و ساز آن دست کشیدند، این می‌تواند دلیلی بر به وجود آمدن امنیت کامل پس از هجرت باشد.

۱. ر.ک به مقاله نویسنده کتاب به نام: «خطط المدینه» (محل‌های مدینه)، مجله العرب، م ۱۲، ۱۹۶۷م.

۲. احزاب، ۱۳.

۳. ر.ک: العلی، «خطط المدینه»، ص ۱۰۱ و ۱۲۰؛ احزاب، ۶۰؛ مناقون، ۸.

۴. ترجمه آیات قرآن کریم در این کتاب، برگرفته از ترجمه آیت الله مکارم شیرازی است (مترجم).

بی‌تردید اطم‌های برخی افراد، نشان از جایگاه و شخصیت آنان و ضعف و ناپایداری و وابستگی‌های قبیله‌ای در آن دوران دارد.

در آن روزگار، همبستگی قبیله‌ای از قدرت چندانی برخوردار نبود، از این‌رو، گاه ازدواج‌هایی که میان افراد قبایل مختلف صورت می‌گرفت، موجب کاهش عزت و انزوای قبیله می‌شد و از شک و دشمنی که لازمه عزت قبیله بود، جلوگیری می‌نمود. البته گزارشی از ازدواج مردم مدینه با غیر مدنیان - آن‌گونه که میان مکیان متداول بود - در دست نیست و ازدواج‌های آنان همواره محدود به درون مدینه بود؛ گو اینکه دیگر عشیره‌های مدینه را نیز شامل می‌شد. تاریخ‌نگاران، نام شماری از افراد را که دارای جایگاه ویژه و بلندی در میان قبیله‌های یثرب بوده‌اند، آورده‌اند که از آن میان از «براء بن معرور» به عنوان «آقا و بزرگ ما»^۱ و «عبدالله بن عمرو بن حرام» به عنوان «بزرگی از بزرگان ما و شریفی از اشراف ما»^۲ می‌توان یاد کرد.

رسول خدا ﷺ در پیمان «عقبه» از مردم یثرب خواست که دوازده نفر را به عنوان نماینده و نقیب از میان خود معرفی نمایند که از آن پس، از سوی پیامبر بر قبیله خود نقیب باشند.^۳ این حرکت نشان می‌دهد که نقیبان انتخاب‌شده، دارای جایگاه ویژه‌ای در قبیله خود بوده‌اند و تأیید آنان از سوی پیامبر ﷺ نیز، به تثبیت بیشتر آنان انجامیده است. افراد یادشده، این جایگاه را به سبب داشتن توانایی‌های خاص و ویژگی‌های خویش به دست می‌آورده‌اند و هیچ‌گاه از راه انتخاب نبوده است. گفتنی است که بسیاری از آنان، حتی پس از هجرت نیز جایگاه خود را نزد قبیله حفظ کردند؛ به‌خصوص آنان که به یاری اسلام شتافتند.

در آن هنگام، زن، جایگاه مستقلی برای خود داشته؛ چنان که آنان خود با رسول خدا ﷺ بیعت نموده و شرط‌هایی را که ناشی از طبیعت زنان بود، در آن متعهد گشتند. جایگاه و دیدگاه زن، هیچ ارتباطی با دیدگاه پدر، همسر یا فرزندانش نداشت؛ به‌طوری که جایگاه و سیطره آنان، مهاجرین به مدینه را تحت تأثیر قرار داده بود. گفته‌اند «عمر بن خطاب» پس از مهاجرت به مدینه، گفت «ما قریشیان بر همسران خود چیرگی داشتیم، و چون بر انصار وارد شدیم و مشاهده کردیم که زنان این قوم بر آنان چیرگی دارند. از این پس بود که زنان ما نیز این آداب و رسوم را از انصار آموختند».^۴

۱. سیره ابن‌هشام، ج ۲، ص ۴۷.

۲. همان، ص ۴۹.

۳. همان، ص ۵۰.

۴. ر.ک: ابن سعد، طبقات، ج ۸، ص ۱۳۰؛ بخاری، المظالم والغصب، ص ۲۵؛ النکاح، ص ۸۲؛ مسند ابن‌حنبل، ج ۱، ص ۳۳.

گزارش‌ها، نشان از وجود حکومتی در یثرب، که بر کارهای عمومی مردم نظارتی داشته باشد، ندارد؛ همچنان که فاقد مؤسسه سیاسی مانند «دارالندوه» در مکه و مجالس مردمی و عمومی بود که در آن هنگام در برخی شهرها و دولت‌های کهن برقرار بود. در منابع تاریخی، هیچ اشاره‌ای به وجود انجمن و مجلس قبیله‌ای هم نشده است. تنها نامی از «سقیفه بنی ساعده» به میان آمده است که در آن، گروهی [کوچک] جمع شدند و در پایان «ابوبکر» را به عنوان خلیفه انتخاب کردند. البته منابع هیچ‌گونه ذکری از اینکه این محل، پیش‌تر به عنوان مرکزی برای اجتماعات عمومی بوده باشد، به میان نیاورده‌اند.

این مطلب، تنها شامل عرب‌های یثرب نبوده، بلکه یهودیان ساکن در آن را نیز شامل می‌شده است. سیره‌نگاران، برای یهودیان یک «بیت مدراس» را گزارش کرده‌اند که جایگاهی برای انجام امور دینی و فرهنگی بوده و هیچ‌گونه فعالیتی در زمینه سیاسی نداشته است. شاید علت نبودن این‌گونه مؤسسات، وسعت زیاد شهر یثرب و دوری محله‌های آن از هم و اشتغال مردم به زراعت باشد، بی‌آنکه فعالیتی در تجارت و بازرگانی داشته باشند. این مطلب موجب عزلت و انزوای آنان از جهان خارج می‌شد.

درواقع، اعراب یثرب، همانند مکّیان ارتباطات سیاسی عمیقی با دیگر قبایل و یا دیگر شهرهای حجاز و غیر از آن نداشتند. شاید عامل آن، ضعف فعالیت‌های اقتصادی بود که به ضعف ارتباط با همسایگان می‌انجامید؛ اما از سوی دیگر این ضعف ارتباط، از درگیری و جنگ و منازعات میان یثربیان - چنان که شیوه مکّیان بود - و قبایل و گروه‌هایی که خارج از یثرب سکونت داشتند، جلوگیری می‌نمود.

یثرب در این دوره، از امنیت کاملی برخوردار نبود و همواره میان قبایل درگیری و کشمکش‌هایی وجود داشت و فقدان قدرت مرکزی و نیرویی که بتواند مانع از درگیری‌ها شود و یا پناهگاهی که آنها در آن بتوانند به طرح شکایت پرداخته و درخواست داوری و قضاوت کنند، به فزونی این منازعات دامن می‌زد.

این درگیری‌ها و کشمکش‌ها، گاه در نتیجه برخورد منافع قبیله‌ای و طغیان عواطف آنان بود، که معمولاً دیدگاه‌های دینی و اعتقادات قبیله‌ای نیز در آن بی‌تأثیر نبود. احتمالاً یهودیان نقش مهمی در توسعه این‌گونه اختلافات داشته‌اند. تا آنجا که چندین جنگ میان آنان رخ داد و موجب ریخته شدن خون‌های بسیاری گردید. مشهورترین جنگ آنان «جنگ بعاث» بوده که اندکی پیش از هجرت رخ داد و عرب‌ها را از مردم مدینه خسته کرد.^۱

۱. «بعاث» نام یکی از مناطق نزدیک به «حزه» شرقی است که جنگ شدیدی در آن، میان اوس و خزرج درگرفت. در

کم کم مردم یثرب به زیان‌های ناشی از این دشمنی‌ها آگاه شدند و به فکر ایجاد قدرت مرکزی برای جلوگیری از آن افتادند؛ از این رو تصمیم گرفتند «عبدالله بن اُبَی» را به ریاست خویش برگزینند. اما این تصمیم هرگز به وقوع نپیوست. شاید علت آن، ضعف و کوته‌اندیشی عبدالله از سویی و عمق شکاف و دشمنی‌های موجود میان مردم یثرب، از سوی دیگر بود.

هنگامی که رسول خدا ﷺ قدم به مدینه گذاشت، با استفاده از جایگاه مذهبی خویش و نیز روی گشاده و تدبیر و دوراندیشی و جایگاه احکام شریعت اسلام، کمال استفاده را کرد و در از میان برداشتن ریشه اختلافات و جانیشینی‌ها و دوستی در میان مردم مدینه، از هیچ کوششی دریغ ننمود. پیامبر ﷺ در این مهم، مهاجرین را که یاران و حامیان او بودند و روزه‌روز بر شمار آنها افزوده می‌شد و پیش‌تر با مدنیان روابطی نداشته و در منازعات و اختلافات آنها نقشی نداشتند، پشتوانه نظر خویش قرار داد. از این رو، آنها در رفع کدورت و دشمنی میان مردم مدینه، با پیامبر ﷺ هماهنگ شدند.

ورود پیامبر ﷺ به مدینه، همه آثار گذشته را پاک نکرد؛ زیرا از سویی روح قبیله‌ای، تأثیر عمیق خود را بر مردم گذاشته بود و از سوی دیگر عوامل بروز درگیری و برخورد در این اجتماع، همچنان برجا بود؛ به‌ویژه آنکه تحریک برخی یهودیان، در به شعله‌ور شدن اختلافات بی‌تأثیر نبود.

«سمهودی» می‌گوید: با تحریک «شاس بن قیس» یکی از یهودیانی و کینه عمیقی از اسلام داشت، اشعاری درباره جنگ بعثت سروده شد که اگر پیامبر ﷺ و مهاجرین دخالت نمی‌کردند، به فتنه‌ای بزرگ میان «اوس» و «خزرج» می‌انجامید.^۱

قرآن نیز به احتمال بروز این جنگ‌ها و چگونگی رفتار مسلمانان در مورد آن اشاره نموده است: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقْتُلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ * إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»^۲ و هرگاه دو گروه از

این جنگ که احتمالاً پنج سال پیش از هجرت روی داد، بسیاری از بزرگان اوس و خزرج کشته شدند و اوسیان بر خزرجیان غلبه کردند (مترجم).

۱. سمهودی، وفاء الوفاء، ج ۱، ص ۱۹۱؛ نیز ر.ک: مسند ابن حنبل، ج ۵، ص ۴۲۷. درباره درگیری‌هایی که میان آنان در دوران پیامبر ﷺ اتفاق افتاد (صحیح بخاری، کتاب الصلح، ص ۳۵، مناقب الانصار، ص ۱، ۲۷ و ۴۷، احکام، ص ۳۶؛ سنن ابوداود، کتاب الصلاة، ص ۶۹؛ النسائی، امامه، ص ۱۵؛ مسند ابن حنبل، ج ۵، ص ۳۳۲ و ۳۳۸).

۲. حجرات، ۹ و ۱۰.

مؤمنان با هم به نزاع و جنگ پردازند، آنها را آشتی دهید، و اگر یکی از آن دو به دیگری تجاوز کند، با گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردد، و هرگاه بازگشت (و زمینه صلح فراهم شد)، در میان آن دو به عدالت صلح برقرار سازید، و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت‌پیشگان را دوست می‌دارد. مؤمنان برادر یکدیگرند، پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید باشد که مشمول رحمت او شوید».

زندگی اقتصادی

کشاورزی در آن روزگار، تنها حرفه اصلی مردم یثرب به شمار می‌رفت و مهم‌ترین محصولات آنها خرما و جو بود که در کنار آن، برخی میوه‌ها مانند کدو و خیار به مقدار بسیار کم نیز کاشته می‌شد. مالکیت فردی امری مشروع و پابرجا بود و بیشتر مردم مالک زمین‌های کشاورزی خویش بودند. البته برخی افراد دارای زمین‌های کشاورزی و سیعی بوده و چون به تنهایی نمی‌توانستند از عهده کشت آن برآیند، کارگرانی را به خدمت می‌گرفتند. آنان نیز با کار کردن بر روی زمین، براساس قرارداد و با توجه به وضعیت زمین، به مقدار یک‌پنجم یا یک‌سوم یا یک‌دوم از محصول را به عنوان دستمزد دریافت می‌کردند. در کشاورزی، تنوع و ویژگی‌های زمینی و روش‌های آبیاری آن و نیز چگونگی کار کشاورزی بر روی آن، خود موجب به وجود آمدن قوانین خاصی شد که پس از ظهور اسلام نیز مورد تأیید قرار گرفت و حتی جزئی از ابواب فقه اسلامی مانند مزارعه،^۱ مزابنه،^۲ محاقله، کرایه دادن زمین^۳ به شمار آمد.

با توجه به خشکی هوا و کمبود باران در این منطقه، کشاورزی عمدتاً به آب دره‌هایی که در زمستان و بهار پس از ریزش باران در آن جمع گردیده و در تابستان خشک می‌شد، تکیه داشت؛ اما در مناطق دور از دره‌ها، آب کشاورزی از چاه‌ها تأمین می‌شد. «سمهودی» در این‌باره به وصف شماری از چاه‌های مدینه پرداخته که آب برخی از آنها را تا بیست هزار درهم معامله می‌کرده‌اند.^۴

۱. قرارداد کشاورزی میان کارفرما و کارگر به یک‌دوم یا یک‌سوم یا... (مترجم).

۲. خرید و فروش چیزی به چیزی به تخمین (ویراستار).

۳. خرید و فروش گندم کاشته‌شده با گندم سال قبل. البته معانی متفاوتی برای محاقله آمده است، ر.ک: ابن‌منظور، لسان‌العرب، ماده: حقل؛ ابن‌فارس، ترتیب‌مقایس‌اللغه، ماده: حقل.

۴. سمهودی، وفاء‌الوفا، ج ۲، ص ۱۱۹ به بعد.

محصولات کشاورزی یثرب نمی‌توانست همه نیازهای ساکنان آن را برآورده سازد؛ به همین جهت، این شهر حیوانات مورد نیاز خویش مانند باقلا، نخود و کنجد را از دیگر مناطق، که سیره‌نویسان از نام آنها سخنی به میان نیاورده‌اند، تهیه می‌نمود. البته گفته شده که آنان کنگر را از مناطق بیرون مدینه^۱ و گندم مورد نیاز خویش را از سرزمین شام وارد می‌کردند و با آن، نان سفیدی به نام «درمک» می‌پختند.^۲

مردمان یثرب به جز شمار اندکی از آنان که در خانه‌های خویش دام داشتند، فعالیتی در زمینه دامداری نمی‌کردند و به همین دلیل، فرآورده‌های لبنی و حیوانی مورد نیاز خویش، شامل روغن، ماست چکیده و پشم را از اعراب و دامداران ساکن در نزدیکی یثرب تهیه می‌کردند. به نظر می‌رسد اسب در یثرب بسیار کم بوده است و به همین دلیل پیامبر ﷺ در غزوات نخستین خود، تعداد بسیار اندکی اسب داشته است. در جنگ بدر و احد، مسلمانان تنها دو رأس اسب همراه داشتند. از این پس بود که رسول خدا ﷺ به اهمیت اسب پی برد و مردم را به نگهداری و پرورش آن ترغیب نمود و روایت است که فرمود: «انَّ الْخَيْلَ مَعْقُودَةٌ فِي نَوَاصِيهَا الْخَيْرُ؛ بر پیشانی اسب، خیر و برکت بسته شده است». آن حضرت زمینی را نیز در مدینه برای مسابقه اسب‌دوانی فراهم نمود.

اغلب صنایع یثرب، صنایع دستی بود. بانوان در خانه‌ها پشم‌ریسی و ریسندگی و دوختن لباس‌ها را به عهده داشتند و همه نیاز خانواده را خود برآورده می‌ساختند؛ اما دیگر صنایع مورد نیاز مردم یثرب، از قبیل وسایل کشاورزی، نجاری، آهنگری و زرگری همه در اختیار یهودیان قرار داشت. سیره‌نویسان مردم «بنی قینقاع» را صنعتگر و زرگر معرفی کرده‌اند. به نظر می‌رسد که این صنایع، نیاز به غلامانی نیز داشته که در آن کارگاه‌ها مشغول به کار بوده‌اند؛ گو اینکه دلیلی بر وجود فراوان غلامان در یثرب نیست.

به هنگام هجرت، مدینه مرکز اقتصادی مهمی از لحاظ مصرف و یا تولید (صادرات) به شمار نمی‌آمده و محصولات اساسی آن شامل انواع خرما و جو^۳ بوده که تنها نیاز ساکنان آن و نیز برخی اعراب مجاور مدینه را برآورده می‌ساخته است. در این باره گفته نشده است که

۱. ابن ماجه، تجارات، ص ۱۰؛ الموطأ، الزکاة، ص ۴۷؛ شافعی، الأئم، ج ۴، ص ۱۲۵؛ ابوعبید، الاموال، ص ۵۳۳.

۲. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۷۸.

۳. براساس گزارش‌های فراوانی که در این باره وارد شده است، به نظر می‌رسد غذای اساسی مدینه، شامل خرما و نان جو، یا «الاسودان» بوده است. در این باره به احادیث واردشده در کتاب‌های صحاح و المعجم المفهرس لالفاظ الحدیث النبوی، نوشته فنسنگ، ماده «اسود» مراجعه نمایید.

این محصولات به مقدار فراوان به خارج از مدینه صادر گردیده است. همچنان که در سیره‌ها، به وارد کردن مواد غذایی مورد نیاز مردم مکه از مدینه، که در آن هنگام نیاز فراوانی نیز داشته‌اند، اشاره نشده است. یکی از نشانه‌های ظاهری ضعف فعالیت اقتصادی در مدینه، نبودن بازاری بزرگ در آن بوده است. مردم معاملات خویش را، اغلب در خانه‌ها و گاه در فضاهای باز گسترده‌ای که بازاری کوچک به شمار می‌آمده، انجام می‌دادند.^۱

گذشته از آن، مدینه در موقعیت جغرافیایی بسته‌ای قرار داشت و از شاهراه‌های تجارتنی میان جزیره‌العرب و سواحل دریای سرخ یا میان یمن و سرزمین شام دور بود. تجارت میان یمن و سرزمین شام، از شاهراه ساحلی «المعرفه» و یا از راهی که واقع در مناطق شرقی مدینه بوده و از درون شهر مدینه عبور نمی‌کرده، صورت می‌گرفته است که این وضعیت، خود عاملی نسبی برای عزلت و انزوای یثرب به شمار می‌آمده است. همه عوامل یادشده، موجب ضعف فعالیت اقتصادی یثرب و پایین آمدن سطح زندگی مردم و کمبود نقدینگی متداول آن روز می‌شد. دلیل روشن این وضعیت، آنکه بیشتر مسلمانان در اوایل هجرت، هر یک بیش از یک پیراهن برای خود، لباس دیگری نداشتند.^۲ زنان نیز به علت ضعف اقتصادی خانواده، هر یک مسئول کشت حبوبات و پختن آن بودند و برای ازدواج هم مجبور بودند لباس عاریه بگیرند.

فرهنگ و اعتقادات مذهبی

خواندن و نوشتن در میان مردم یثرب رایج نبود. شاید یکی از عوامل آن، جامعه یثرب بود که اعراب، جامعه کشاورزی راكد و در عزلتی برای خود به وجود آورده بودند و هیچ‌گونه ارتباط مستحکم بازرگانی و سیاسی با دیگران نداشتند. بنابراین، به علت کم بودن افراد باسواد، یثربیان افراد باسواد را محترم می‌داشتند. در جاهلیت و آغاز اسلام در مدینه، مردم، فرد «کامل» را شخصی می‌پنداشتند که بتواند عربی را بنویسد و در شناگری و تیراندازی مهارت داشته باشد. ابن سعد در جلد سوم طبقات و در بخش دوم آن نام ده نفر از مردم مدینه

۱. ابن شبه می‌گوید: هنگامی که رسول خدا ﷺ به مدینه هجرت کرد، این شهر دارای بازارهایی در مناطق «زباله»، «یثرب»، «پل قینقاع»، «العصبه»، «زقاق» و «ابن حبین» بوده است. (تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۳۰۵ و ۳۰۶؛ سمهودی، وفاء الوفا، ج ۱، ص ۲۴۴ و ۵۴۹).

۲. ر.ک: بخاری، کتاب الجزیه، ص ۹؛ کتاب الصلاة، ص ۳؛ ابن حنبل، مسند، ج ۵، ص ۱۴۱؛ ابوحنیفه، مساند، ج ۱، ص ۳۴۹؛ الاغانی، ج ۱۷، ص ۸۹.

را که سواد خواندن و نوشتن داشتند، آورده است. این افراد عبارت‌اند از: «أبى بن كعب»، «سعد بن ربیع»، «عبدالله بن رواحه»، «بشیر بن سعد»، «عبدالله بن زید»، «أوس بن خولی»، «منذر بن عمرو»، «أسید بن حضیر»، «سعد بن عباده»، و «رافع بن مالک»، که چهارتن آخر در شنا و تیراندازی نیز مهارت کاملی داشته‌اند و به همین مناسبت به آنان «كَمَلَه» (افراد کامل) گفته می‌شد.

همچنین افرادی در یثرب پیدا شدند که به فرهنگ عمومی اهمیتی ویژه می‌دادند. به روایت «ابن اسحاق» از جمله کسانی که رسول خدا ﷺ پیش از هجرت در مکه با آنان ملاقات نمود، «سوید بن صامت» بوده است. او از قبیله «عمرو بن عوف» است که قومه او را به جهت صبر و استقامت و شرافت خانوادگی و نسب، «کامل» نامیده بودند.

رسول خدا ﷺ او را به توحید و اسلام دعوت نمود. «سويد» در جواب گفت: شاید آنی که تو دارای آن هستی، مانند همانی باشد که نزد من است. رسول خدا ﷺ به او فرمود: چه چیزی همراه تو است؟ گفت: مجله لقمان، یعنی حکمت لقمان. رسول خدا ﷺ فرمود: آنها را برایم بگو، پس او آنها را عرضه داشت. پیامبر ﷺ فرمود: این سخنان نیکوست؛ اما آنچه همراه من است از آن نیکوتر است. آن قرآن است که پروردگار آن را بر من نازل گردانیده که تمامی آن هدایت و نور است.^۱ اما «سويد» دعوت پیامبر ﷺ را نپذیرفت و اسلام نیاورد؛ گو اینکه سخنان لقمان و یا حکمت او، کتاب مقدسی به شمار نیامده، بلکه به نظر می‌رسد پاره‌ای سخنان حکیمانه باشد و نیز آنچنان نبوده که تنها «سويد» بدان معرفت داشته و به آن اهتمام ورزد و دیگرانی نیز بوده‌اند که به گفته‌ها و امثال او با دیده احترام می‌نگریسته‌اند.

اعتقادات اهالی یثرب

در منابع عرب اشاره‌های پراکنده‌ای به برخی رسوم مذهبی و باورهای عرب‌های یثرب شده است. از جمله اینکه مردم یثرب حج می‌گزاردند، اما سعی میان صفا و مروه را انجام نمی‌دادند و به هنگام بازگشت از حج از درِ خانه‌های خود به درون نمی‌رفتند، بلکه از روی دیوارهای خانه به درون می‌رفتند؛ همچنین آنان هنگام انجام حج در مکه، به همراه دیگر حاجیان در همه مواقف و قوف می‌کردند، ولی «حلق» یا تراشیدن موی سر را انجام نمی‌دادند.^۲

۱. سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۳۶.

۲. الاضنام، ص ۱۶.

بنابراین، آشکار می‌شود که آنان دارای روش‌ها و آداب و رسوم ویژه در انجام فریضة حج برای خویش بوده‌اند. نکته قابل توجه آنکه، در منابع و آیات قرآن اشاره‌ای به تطابق اعتقادات و عبادات مدنیان با مشرکان مکه نشده است.

بت «منات» نیز نزد مردم یثرب از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. «ابن کلبی» می‌گوید: اوس و خزرج و دیگرانی که در یثرب یا مکه و اطراف آن زندگی می‌کردند، آن را بزرگ می‌داشتند و نزد آن قربانی کرده و هدیه‌هایی به آن تقدیم می‌کردند. هیچ قومی به اندازه اوس و خزرج به آن احترام نمی‌گذاشت. آنان پس از مراجعت از حج، به سوی آن آمده و سرهای خود را تراشیده و نزد آن اقامت می‌کردند و آنگاه حج خویش را کامل می‌پنداشتند که نزد آن رفته و اعمال یادشده را به انجام رسانند.

«عبدالعزی بن ودیعه مزنی» یا فرد دیگری از عرب، درباره بزرگی و اعزاز «منات» نزد اوس و خزرج چنین سروده است:

أنی حلفت یمین صدق برة
بمناة عند محل آل الخزرج^۱

جایگاه «منات» در «قدید» واقع در «مشلل» در نزدیکی دریا و تقریباً در میانه راه بین مکه و یثرب بوده است. سیره‌نویسان به داشتن معبدی برای «منات» در یثرب اشاره‌ای نکرده‌اند؛ همچنان که پیش از ظهور اسلام، افرادی از مردمان یثرب که خود را به «منات» تسمیه کرده باشند، بسیار اندک بوده است.

«ابن سعد» نام افرادی را آورده است که پس از اسلام آوردن قبیله خود، بت‌های قبیله را شکسته‌اند. این افراد عبارت‌اند از: «عمار بن حزم»، «عوف بن عفرأ» و «اسعد بن زراره» که اقدام به شکستن بت‌های «بنی مالک بن نجار»^۲ نمودند. «سلیط بن قیس» و «ابوصرمه» بت‌های «بنی عدی بن نجار» را شکستند،^۳ و «ثعلبة بن عتمه» و «معاذ بن جبل» و «عبدالله بن أنیس» بت‌های «بنی سلمه» را نابود کردند،^۴ و «زیاد بن لبید بیاضی» و «فروة بن عمرو» بت‌های «بنی بیاضه» را در هم کوبیدند و «سعد بن عباده» و «منذر بن عمر» و «ابودجانه» بت‌های «بنی ساعده» را شکستند، چنان‌که،^۵ «سعد بن معاذ» و «اسید بن حضیر»، بت‌های «بنی عبدالاشهل»^۶ و «ابوعبس بن جبر» و «ابوردة بن نیار» نیز بت‌های «بنی حارثه»^۷ را شکستند.

۱. همان، ص ۱۳؛ من سوگندی صادقانه و بی‌شائبه یاد کردم/ به منات در جایگاه سکونت خزرجیان.

۲. ابن سعد، طبقات، ج ۲-۳، ص ۱۴ و ۵۱.

۳. همان، ص ۱۱۸ و ۱۲۰.

۴. همان، ص ۱۴۳.

۵. همان، ص ۲۴.

۶. همان، ص ۲.